

# نظریه‌ی طبقه برای زمان ما

لیو پانیچ



ترجمه‌ی آسو جواهری



از آنجا که در قرن بیست و یکم سرمایه‌داری همچنان پابرجاست، مهم‌ترین سؤالات برای تحلیل طبقه نه‌تنها باید بر تغییر ساختار طبقات سرمایه‌دار در سطح بین‌المللی که بر طبقه‌ی کارگر و متوسط نیز متمرکز باشد. بحث محوری مقاله این است که طرح چارچوب‌های انعطاف‌ناپذیر جامعه‌شناختی برای مقوله‌بندی جایگاه‌های طبقاتی چندان سودمند نیست. در عوض باید به نکاتی توجه کرد که از مبارزات حال حاضر، پیرامون فرایندهای تشکیل طبقه و به‌ویژه امکان‌های توسعه‌ی اشکال جدید سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر آشکار می‌شود.

دیوید هاروی در اوایل کتاب برجسته‌ی خود با نام «مارکس، سرمایه و جنون عقل اقتصادی» عبارت بسیار مشهوری از کتاب «سرمایه» مارکس نقل می‌کند با این مضمون که به‌کارگیری تکنولوژی توسط سرمایه‌دار، موقعیت کارگر را تا سطح زائده‌ای از یک ماشین تنزل می‌دهد.<sup>۱</sup> درست همانطور که علم به بخشی از فرایند تولید تبدیل شده، تنزل موقعیت کارگران نیز آنان را نسبت به توانایی‌های بالقوه‌ی فکری خود دچار از خودبیگانگی و شرایط کار آن‌ها را چه با دست‌مزد بالا یا پایین، بدتر می‌کند. هاروی در ادامه‌ی کتاب عبارت روشن‌گرانه‌ی دیگری نقل می‌کند که در آن مارکس از تأثیر انسان‌زدایانه‌ی تکنولوژی که سرمایه‌دار به‌کار می‌برد فراتر رفته و به پی‌آمدهای مخرب آن برای خود سرمایه‌داری می‌پردازد.

تولید ثروت واقعی در جریان توسعه‌ی صنایع بزرگ چندان تابع زمان کار صرف شده و میزان نیروی کار شاغل نیست، بلکه وابسته به قدرت تجهیزات و سازوکاری است که در مدت زمان کار به اجرا در می‌آید و کارآمدی اثربخش آن‌ها با زمان کار مستقیمی که صرف ایجادشان شده، قابل‌قیاس نیست. در چنین شرایطی به تعبیر هاروی سرمایه‌دار به دام می‌افتد، زیرا از کارگری که بخش اعظم کار اجتماعی به عهده‌ی اوست تا حد مشخصی می‌توان ارزش اضافی (سود) بیرون کشید. مارکس با توجه به چنین

<sup>۱</sup> David Harvey, *Marx, Capital, and the Madness of Economic Reason*, London: Profile Books, 2017.

تصوری نتیجه گرفت که تولید سرمایه‌دارانه در نهایت به پایان می‌رسد. البته یک قرن و نیم بعد ما به‌وضوح مشاهده می‌کنیم که سرمایه‌داری حتی اگر شبیه به ویران‌شهری همچون بلید رانر<sup>۱</sup> هم شده باشد، تا زمانی که ما آن پایان ندهیم، هرگز به خودی خود پایان نمی‌یابد.

## تغییر ساختارها

از آن‌جا که در قرن بیست‌ویکم سرمایه‌داری همچنان پابرجاست، امروزه مهم‌ترین سؤالات برای تحلیل طبقه باید به تغییر ساختار طبقات سرمایه‌دار و تأثیرات دگرگون‌کننده‌ی آن بر حاکمیت سیاسی سرمایه‌داری توجه کند.<sup>۲</sup> در همین چارچوب، تحلیل طبقه مستلزم توجه دقیق به تغییر پیکره‌بندی طبقات سرمایه‌دار است. این کار به معنی مطالعه‌ی دقیق شیوه‌های سازمان‌دهی سرمایه در نفوذ متقابل سرمایه‌های قدیم و جدید مالی و صنعتی و استراتژی‌های آن‌ها برای ایجاد هژمونی در جهان است. البته ادعا نمی‌کنیم که چیزی شبیه به یک طبقه‌ی سرمایه‌دار جهانی با هویت و دستورکار منسجم وجود دارد، چرا که این امر در دنیای امروز کاری بس دشوار است. این دشواری را می‌توان از نشست‌های وزرای اقتصاد گروه بیست G20 مشاهده کرد که بازیگران سیاسی آن در تلاش برای ایجاد همسویی و هماهنگی علایق طبقات حاکم متمایز هستند.

تغییرات وسیع تکنولوژیکی و جغرافیایی در شیوه‌های انباشت سرمایه، به سازمان‌دهی مجدد طبقات سرمایه‌دار انجامیده است. این تغییرات طبقات کارگر را در سطح بین‌المللی نه‌تنها از طریق زنجیره‌ی تولید شبکه‌ای ارزش جهانی، ارتباطات و

<sup>۱</sup> Blade Runner

فیلم مشهوری که در ۱۹۸۲ ساخته شد و آینده‌ای ویران‌شهری را در لوس آنجلس امریکا به تصویر می‌کشد. این فیلم براساس رمانی علمی - تخیلی نوشته‌ی فیلیپ ک. دیک تهیه شده بود. م.

<sup>۲</sup> این تحول در مقیاس وسیع بین‌المللی در دو جلد آخر Socialist Register بررسی شده است:

توزیع، بلکه همچنین از طریق شیوه‌های محلی که بازتاب الگوهای جدیدی از مهاجرت است به هم متصل ساخته است. روندهای مهاجرتی جاری که سرمایه‌داری جهانی آن را تولید و همزمان با مانع مواجه می‌کند - و در ظهور دغل کاران «میهن پرستی» همچون دونالد ترامپ بسیار مهم بوده است - خانواده‌های بسیاری را فراسوی مرزها به هم متصل کرده است.<sup>۱</sup> با وجود این، جهانی شدن و مهاجرت از اهمیت شناخت ابعاد تشکیل طبقه و نقش آن‌ها در تغییر شکل حاکمیت سیاسی در هر دولت-ملت نمی‌کاهد. اگرچه نمی‌توان تاریخ شکل‌گیری طبقه را بدون در نظر گرفتن تاریخ مهاجرت که سرکوب‌گری‌ها و حتی نسل‌کشی مردم بومی را به دنبال داشته درک کرد (برای مثال آن چیزهایی که در نیمکره‌ی غربی از آرژانتین در جنوب تا کانادا در شمال می‌دانیم). با این حال، چه بخواهیم و چه نخواهیم، انترناسیونالیست باشیم یا نه، بسیاری از ویژگی‌های ساختارها و روابط طبقاتی در این دو کشور به روشنی نشان می‌دهد که طبقات در فرایند تاریخی شکل‌گیری خود درون دولت-ملت‌هایی که در دو قرن گذشته به وجود آمده‌اند، همیشه به‌طور متمایزی شکل گرفته‌اند.

## تشکیل طبقه

مطالعه‌ی طبقه در قرن بیست‌ویکم باید فراتر از تعریف بر اساس تقابل فرایندهای قدیم و جدید کار یا کنکاش در تأثیرات این تغییرات در روابط محل کار باشد. هر قدر هم این موضوعات مهم باشند، باید در چارچوب شکل‌گیری مداوم طبقه و به‌طور خاص چارچوب‌ها و شرایطی قرار داده شود که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در «طبقات متوسط» و نیز سرمایه و کار رخ داده است.

چپ نباید استفاده از اصطلاح طبقه‌ی متوسط را صرفاً ابزاری ایدئولوژیک بداند: استعاره‌ای از گفتمانی سیاسی به نیت مبهم ساختن تضادهای بالقوه و روابط بنیادین اجتماعی بین سرمایه و کار است. همچنین نباید شکل‌گیری طبقات متوسط، به‌عنوان

<sup>۱</sup> به‌طور خاص در

مجموعه‌ی متمایزی از بازیگران جمعی در هر دولت - ملت را، با ترسیم‌ی سطحی در طبقه‌ی متوسط قدیمی یا جدید بر مبنای دوگانگی‌های ساده‌انگارانه و بی‌فایده (یقه‌سفید در برابر یقه‌آبی، کارگران خدماتی در برابر صنعتی و از آن بدتر کار «مولد» در برابر «نامولد») تعریف کند. نظریه‌ی طبقه «جایگاه اجتماعی متناقض طبقه‌ی متوسط جدید» را در دهه‌ی ۱۹۷۰ شرح داد؛ پدیده‌ای که به‌طور فزاینده‌ای می‌توان در میان آنانی مشاهده کرد که در جایگاه‌های هماهنگی و نظارتی در تولید، توزیع، تدارکات و ارتباطات شاغل بودند و نیز در آنانی که نقش‌های مشابهی در بسیاری از سازمان‌های بازتولید اجتماعی و ادارات عمومی و خصوصی، به عهده داشتند.<sup>۱</sup>

با این همه، این روند با تداوم و حتی رشد تولیدکنندگان مستقل کالا و انواع و اقسام فروشنده‌های خرده‌بورژوازی قدیم و جدید هم‌زمان است. صاحب‌کاران کوچک دارای شغل یدی که بیشتر نگران مالیات بر مشاغل کوچک هستند تا فراهم بودن استانداردهای کار - نماینده‌ی این افراد و تفکر در امریکا به جو لوله‌کش<sup>۲</sup> معروف شده است. این گروه طیف وسیعی از مشاغل را دربر می‌گیرد، از مغازه‌داران محلی و فروشندگان بازاری تا تجار و بازیگران فضای مجازی جهانی، کسانی که خدمات مستقل نظافتی، آرایشگری یا تربیت بدنی ارائه می‌کنند. همچنین شامل شاغلانی می‌شود به‌عنوان مشاور و مربی و محقق با بخش دولتی و خصوصی قرارداد همکاری دارند.

## طبقه‌ی متوسط یا طبقه‌ی کارگر؟

۱.ن.ک.

Guglielmo Carchedi, *On the Economic Identification of Social Classes*, London: Routledge and Kagan Paul, 1977; and Erik Olin Wright, *Class, Crisis and the State*, London: NLB, 1978.

۲. ساموئل جوزف ورزلبکر، لوله‌کش آمریکایی و فعال سیاسی محافظه‌کار اهل اوهایو است که به جو لوله‌کش معروف شده است. وی در جریان مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده در سال (۲۰۰۸) به نمادی از خواسته‌های طبقه‌ی متوسط پایین آمریکا تبدیل شد. م.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها قرن حاضر شیوه‌های شکل‌گیری این روابط اجتماعی در ارتباط با شیوه‌ی تشکیل طبقه‌ی متوسط یا طبقه‌ی کارگر است. سیستم جدید اقتصاد قراردادهای متزلزل و کوتاه‌مدت<sup>۱</sup> - که تجسم آن شرکت‌هایی چون اوبر<sup>۲</sup> و لیفت<sup>۳</sup> هستند- به وضوح برای ایجاد و تشکیل طبقه‌ی متوسط طراحی شده‌اند. اما در عین حال رانندگان آن‌ها که در پی سازمان‌دهی خود به‌عنوان کارکنان اوبر یا لیفت هستند، در طبقه‌ی کارگر قرار می‌گیرند. پیش‌تر گفته‌ام که مبارزه‌ی مشابهی برای تشکیل طبقه در میان فروشندگان بازار لاسالادا<sup>۴</sup> در خارج از ایستگاه قطار در بوئنوس آیرس<sup>۵</sup> و سازمان‌دهی آن‌ها توسط کنفدراسیون کارگران اقتصاد عمومی<sup>۶</sup> در جریان است.

ابعاد دیگری از این روند را می‌توان در شیوه‌های جدید مدیریت عمومی و برون‌سپاری کارهای دولتی و شبه‌دولتی اعم از خدمات، امور دفتری و تعمیر و نگهداری به پیمانکاران فردی از مشاوران مدیریت و پردازشگران داده‌ها تا نظافتگران غیراتحادیه‌ای که اغلب در کنار کارمندان اتحادیه‌ای دولتی کار می‌کنند، مشاهده کرد. سازمان‌یابی متخصصان طبقه‌ی متوسط سنتی همانند معلمان و پرستاران نیز منعکس‌کننده‌ی مبارزه بر سر تشکیل طبقه است. برای مثال از عوامل عمومی‌شدن ناسیونالیسم بیگانه‌هراس در قرن بیستم، معلمانی بودند که تعصب طبقاتی وفاداران‌های داشتند. اما به نظر می‌رسد در قرن بیست‌ویکم تحولات مثبتی در حال وقوع است، به‌ویژه در ایالات متحده که بسیاری از اتحادیه‌های معلمان به مبارزه برخاسته و با کوشش برای برقراری ارتباط با والدین، درک جدیدی از اجتماع طبقه‌ی کارگر ایجاد

---

۱. Gig economy

۲. Uber

۳. Lyft

۴. La Salada

۵. Buenos Aires

۶. La Confederación de Trabajadores de la Economía Popular (CTEP)

کرده‌اند. درکی که غالباً خانواده‌های مهاجران جدید آن را پذیرفته‌اند و از آن حمایت می‌کند.

نمونه‌ی جدید دیگری از مبارزه برای تشکیل طبقه‌ی کارگر را می‌توان در روندی دید که جین مک‌آلوی در بیمارستان‌های خصوصی در ایالت نوادا - که به اتحادیه‌ستیزی و ضدیت با حقوق کار معروف است- رهبری کرده و شرح داده است. مبارزه‌ای که شامل سازمان‌دهی جمعی همه‌ی کارگران بیمارستان از پرستاران تا نظافتچیان بود.<sup>۱</sup> برای نیروی کار عمدتاً زن در این بیمارستان‌ها که کماکان بار مسئولیت بازتولید اجتماعی را برای خانواده‌هایشان به عهده داشتند، تنظیم شیفت‌های زمان کار مهم‌ترین مسأله‌ی جمعی بود. برای متحدسازی سطوح مختلف از پرستاران بخش‌های مراقبت‌های ویژه تا آشپزهای مشغول در زیرزمین بیمارستان که غذای بیماران را آماده می‌کردند، بسیج حول این مطالبه اهمیت مبرمی داشت.

با این حال بیشتر اتحادیه‌های معلمان و پرستاران، حتی زمانی که بسیار مبارز هستند، به‌طور متمایزی ریشه‌ی صنفی دارند. اندکی پس از آن‌که اتحادیه‌ی پرستاران متحد آلبرتا در کانادا اعتصاب بسیار موفق و هرچند غیرقانونی را که از حمایت گسترده‌ی مردم برخوردار بود، به سرانجام رساندند، از من دعوت کردند تا در گردهمایی آنان سخنرانی کنم. در سخنرانی به آن‌ها پیشنهاد کردم که در دور بعدی مذاکرات اولویت خود را بر این قرار دهند که یک ساعت کاری در هفته را تعیین کنند که در آن کارگران هر یک از بخش‌های بیمارستان برای گفت‌وگو درباره روندهای کاری جمع شوند تا موفقیت خود را تقویت کنند. در دور بعدی مذاکرات نیز اولویت را بر تعیین

<sup>۱</sup> Jane McAlevey, *Raising Expectations (and Raising Hell): My Decade Fighting for the Labor Movement*, New York: Verso, 2014.

همچنین درباره‌ی اعتصابات معلمان در ایالات متحده به کتاب اخیر مک‌آلوی:

A Collective Bargain: Unions, Organizing, and the Fight for Democracy (New York: Ecco, 2020).

همچنین به:

Eric Blanc, *Red State Revolt: The Teachers' Strike Wave and Working-Class Politics* (New York: Verso, 2019).

یک ساعت دیگر از زمان کار برای تشکیل جلسات جمعی کارگران با بیماران هر بخش قرار بدهند.

اگرچه آن‌ها از پیشنهاد من استقبال کردند، با این حال نخستین مورد در دستور کار آن‌ها بحث درباره‌ی تصویب درخواست مستخدمان بیمارستان برای عضویت در اتحادیه بود (مستخدمان وظایفی مانند جابه‌جایی بیماران، استریلیزه کردن تجهیزات پزشکی، نظافت اتاق‌ها و تعویض ملحفه‌ها را به عهده دارند). در گردهمایی مزبور آن‌ها برای تسهیل تبادل نظر در این مورد دو میکروفون قرار داده بودند، یکی برای سخنرانان موافق و دیگری برای مخالفان. اما در جلسه هیچ پرستاری از این پیشنهاد استقبال نکرد و همه‌ی آن‌ها از مخالفان این درخواست بودند. در واقع این رویداد نیز مبارزه‌ای میان تشکیل طبقه‌ی متوسط و طبقه‌ی کارگر بود.

## ابداع شکل‌های جدید

چنین روندهایی چگونه با شرایط متزلزل فزاینده‌ای که نیروی کار امروزه با آن روبرو است، ولو آن که عضو اتحادیه باشد، ارتباط پیدا می‌کند؟ تشخیص چنین مواردی به‌عنوان بی‌ثبات‌کاران (پریکاریا)<sup>۱</sup> و طبقه‌ای جدید و متمایز از طبقه‌ی متوسط و طبقه‌ی کارگر، چندان روشن‌نگر نیست.<sup>۲</sup> کارفرمایان همیشه تلاش کرده‌اند نیروی کار را به دلخواه خود نظم بدهند و هر زمان که بخواهند به آن‌ها دسترسی داشته باشند و تا جایی که محدودیت‌های ممکن اجازه بدهد از آن‌ها استفاده کنند.

به همین دلیل طرح چارچوب جامعه‌شناسانه‌ی دقیقی برای تعیین مختصات این که چه کسی طبقه‌ی کارگر است و چه کسی نیست (یا به همان سان طبقه‌ی متوسط است یا نیست) چندان سودمند نیست. به‌جای این که مباحث استراتژیک خود را بر این اساس بنا کنیم که آیا هر زمان باید بر سازمان‌دهی پرستاران یا آبدارچی‌ها، معلمان یا

۱. precariat

۲. ن.ک.

Bryan Palmer, "Reconsiderations of Class: Precariousness as Proletarianization" in Leo Panitch, Greg Albo, and Vivek Chibber (eds.), *Registering Class: Socialist Register 2014*, London: Merlin, 2013.



توسعه‌دهندگان نرم‌افزار، کشاورزان یا کامیون‌داران، فروشندگان یا تحویلداران بانک متمرکز شویم، دغدغه‌ی ما باید تجسم و توسعه‌ی گسترده‌ی اشکال جدید سازمان‌دهی و تشکیل طبقه‌ی کارگر برای قرن بیست‌ویکم باشد.

اتحادیه‌های کارگری توده‌ای و احزاب طبقه‌ی کارگر که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به‌عنوان نخستین سازمان‌های پایدار وابسته به طبقات در تاریخ جهان ظهور کردند، دقیقاً سعی داشتند چنین کاری انجام دهند. امروزه انبوهی از مبارزات در جریان است که از وجوه متفاوت زندگی کارگرانی نشأت گرفته که مشاغل، هویت‌ها و جوامع متنوعی را در مواجهه با سرمایه‌داری شدیداً استثمارگر، بحرانی و غیرعقلانی شامل می‌شوند. اما ناتوانی ما در شناسایی اشکال بدیع سازمان‌دهی که روند تشکیل طبقه را تسهیل کند، بار دیگر به نیروهای سیاسی راست افراطی اجازه داده است تا خشم و سرخوردگی مردم را بسیج کنند.

در دهه‌های گذشته و در جاهای بسیاری شاهد بودیم که اعتبار سوسیالیست‌های دموکرات برای گذار از سرمایه‌داری در حال احیاشدن بود. پس از جنبش اشغال، چرخش محسوسی از اعتراض به سمت سیاست‌ورزی در چپ رخ داد و این روند همچنان ادامه دارد. همچنین به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌شود که در حالی که به بسیاری دیگر از سرکوب‌ها و تهدیدهای زیست محیطی اعتراض می‌کنیم دیگر نمی‌توان سرمایه‌داری را مهار کرد؛ البته با این فرض که همیشه می‌توان بیرون از راهروهای قدرت اعتراض کرد اما جهان تغییری نخواهد کرد. با این حال در نتیجه‌ی تغییر گسترده‌ی مخالفت با جهانی‌شدن سرمایه‌داری از خیابان به دولت، چرخش از اعتراض به سیاست‌ورزی به‌طور ویژه‌ی نابرابری‌های عظیم درآمد و ثروت را هدف قرار داده است. البته همان‌طور که اندرو مورای<sup>۱</sup> رئیس ستاد Unite، بزرگترین اتحادیه‌ی کارگری انگلستان، خاطر نشان کرده است، این چرخش بیشتر بر طبقه متمرکز بوده تا این که در طبقه ریشه داشته باشد.<sup>۲</sup> به‌هرروی، سؤال استراتژیک مرتبط با این روند همان

۱. Andrew Murray

چیزی است که مانیفست کمونیست به‌عنوان وظیفه‌ی نخست همه‌ی کمونیست‌ها مشخص کرده است: مشارکت در سازمان‌دهی پرولتاریا در یک طبقه. با توجه به تغییرات شگرف و متعدد در ترکیب و هویت طبقاتی و همچنین محدودیت‌ها و شکست‌های بزرگ احزاب و اتحادیه‌های قدیمی طبقه‌ی کارگر، چگونه سیاست‌های مبتنی بر طبقه در طبقات کارگر ریشه دوانده است؟ شکست‌های گسترده‌ی بسیاری از سازمان‌های طبقه کارگر در پایان قرن بیستم نقطه عطف مهمی برای هموارکردن مسیر سرمایه‌داری جهانی تحت حمایت امپراتوری غیررسمی ایالات متحده بود. با وجود این، امروز جمعیت کارگران کره زمین بیشتر از هر زمان دیگری است و در حالی که تکنولوژی‌های جدید رشد مشاغل و اشتغال را در بخش‌های معینی محدود می‌کند به رشد مشاغل در بخش‌های دیگری می‌انجامد. در نتیجه زمینه‌ی جدیدی را با نیروی بالقوه‌ی سازمان‌دهی جمعی به ما نشان می‌دهد.

همچنین همان‌طور که کیم مودی<sup>۱</sup> نشان داده است، اعتصاب در کارخانه‌های قطعه‌ساز یا قطع زنجیره‌ی تأمین کنندگان در انبارها و بنادر می‌تواند به تعطیلی شبکه‌ی تولید یکپارچه جهانی بینجامد.<sup>۲</sup> به همین نحو نیز افشای اطلاعات میان پردازشگران داده‌ها می‌تواند ذخایر وسیعی از اطلاعاتی را که توسط شرکت‌ها و دولت‌ها پنهان شده‌اند، فاش کند.

پاشنه آشیل سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر این است که حتی وقتی به این موقعیت‌ها دست یافته است، نمی‌دانسته از آن‌ها چگونه استفاده کند. مهم‌تر از همه، نمی‌دانسته چگونه فرایندهای کار را در درون دولت تغییر دهد، به‌طوری که دولت به‌جای بازتولید سرمایه‌داری به عاملی برای تغییر سوسیالیستی بدل شود. از این رو اولویت روشنفکران

---

Andrew Murray, "Jeremy Corbyn and the Battle for Socialism," *Jacobin*, 7 February 2016.

<sup>۱</sup> Kim Moody

<sup>۲</sup> آن.ک.

Kim Moody, *On New Terrain: How Capital Is Reshaping the Battleground of Class War*, Chicago: Haymarket Books, 2017.

در قرن بیست‌ویکم باید ایجاد پیوند میان هدف والای تشکیل مجدد طبقه‌ی کارگر، در داخل و خارج از دولت، با توسعه‌ی استراتژی‌های خلاقانه‌ی جدید برای تحول دولت باشد تا ماتریالیسم تاریخی را به یک ابزار تحلیلی بهتر برای قرن بیست‌ویکم تبدیل کند.<sup>۱</sup>

مقاله‌ی بالا نسخه‌ی ویراسته‌ی سخنرانی در سی و ششمین کنفرانس بین‌المللی طبقه و فرایند کار، در دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه بوینوس آیرس در تاریخ ۲۳ مارس سال ۲۰۱۸ است.

پیوند با منبع اصلی:

<https://catalyst-journal.com/2020/06/class-theory-for-our-time#po-fn>

<sup>۱</sup> همچنین ن.ک.

Leo Panitch and Sam Gindin, "Marxist Theory and Strategy: Getting Somewhere Better," Deutscher Memorial Lecture, *Historical Materialism* 23, no. 2 (2015); Leo Panitch and Sam Gindin, "Capitalist Crises and the State," in Matt Vidal et al. (eds.), *The Oxford Handbook of Karl Marx*, New York: Oxford University Press, 2019; and Leo Panitch, "The Challenge of Transcending Capital," in Marcello Musto (ed.), *Marx's Capital After 150 Years: Critique and Alternative to Capitalism*, London: Routledge, 2019.

(چاپ جدید «مانیفست پس از ۱۵۰ سال» با ترجمه‌ی حسن مرتضوی در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات آگاه منتشر شده است)